

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیرازی
۱۴ دسمبر ۲۰۱۹

این دور باطل تا کی ادامه خواهد داشت؟

متعاقب تصمیم خودسرانه و غیرقانونی سران سه قوه حاکمیت جمهوری ایران برای افزایش قیمت بنزین در ساعت صفر ۲۴ آبان [عقرب] سال جاری، توده‌های مردم اعتراض و نارضایتی خود را در سراسر کشور با حضور در خیابان‌ها اعلام کردند. اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی در اثر مداخله نیروهای انتظامی و امنیتی، که احتمال وجود عوامل نفوذی دول خارجی در میان آنها منتفی نیست، ظاهراً به سبب برخی شعارهای براندازانه عاریتی از رسانه‌های امپریالیستی و اقدامات تخریبی، مثل همیشه و هر جا به خشونت کشیده شد؛ صدها بانک و فروشگاه، مؤسسه دولتی و خصوصی دچار حریق گردید؛ به اغلب خودروهای معترضان آسیب جدی وارد شد و بالاتر و هولناکتر از همه، شماری از هموطنان ما، هم از میان معترضان ستم‌دیده و هم از میان نیروهای انتظامی، قربانی دسیسه سران قواء، به ویژه، علی لاریجانی و ملا حسن روحانی - سران بی‌خاصیت‌ترین مجلس و نالایق‌ترین دولت در تاریخ چهل ساله جمهوری اسلامی شدند و تعداد زیادی نیز روانه زندان‌ها گردیدند. میزان خسارات وارده، تعداد دقیق کشته‌ها و دستگیر شدگان را تا کنون هیچ نهاد رسمی اعلام نکرده است.

به هر حال، آنچه که در شرایط کنونی ایران و جهان نباید اتفاق می‌افتاد، اتفاق افتاد و نیروهای انتظامی و امنیتی موفق شدند به موازات سرکوب کارگزاران و نیروهای هرج و مرج طلب پنهان شده امپریالیسم در صفوف معترضان محروم شده از حداقل‌های زندگی، آتش اعتراضات عمومی را نیز در زیر تلی از خاکستر حداقل به طور موقت پنهان سازند. غافل از این، که این آتش زیر خاکستر به موقع خود نه در اثر تندباد، حتی در نتیجه وزش یک نسیم ملایم شعله‌ور خواهد شد.

اضافه بر این، حاکمیت جمهوری اسلامی سعی کرد با برگزاری یک تظاهرات فرمایشی سراسری در روز ۴ آذر [قوس]، خواست بحق توده‌های محروم جامعه را مدیریت نموده، از انفجار خشم متراکم و بی‌سازمان عمومی جلوگیری نماید. اما، شرکت کنندگان تظاهرات با حمل پلاکادهای دایر بر مشخص کردن مرز بین میهن‌دوستان عدالت‌خواه با نیروهای آشوبگر وابسته به امپریالیستهای انگلوساکسونی و طرح خواست‌های طبیعی و قانونی خود، این ریاکاری حاکمیت را افساد کردند و خواستار ایجاد دولتی مدبر، کاربلد و طرفدار عدالت شدند.

تصمیم سران قواء برای افزایش قیمت بنزین را از این منظر، که اولاً، افزایش چند هزار برابری بهای کالاها، به سخن دیگر، کاهش چند هزار برابری قدرت خرید ارز ملی (تومان) در مدت چهل سال حاکمیت اسلامی نه تنها هرگز باعث

رونق اقتصادی و بهبودی شرایط زندگی اجتماعی نشده، حتی باعث تعمیق فقر و فاقه و خانه‌خوابی اکثریت جمعیت کشور، به ویژه، کارگران و زحمتکشان و سایر مزدبگیران گردیده است؛ ثانیاً، دولت روحانی می‌توانست کسری بودجه ۱۰۰ میلیاردی خود را به جای دست بردن به جیب محروم‌ترین لایه‌های اجتماعی، به حساسات کسر حقوق‌های نجومی، جلوگیری از رانتخواری و اخذ مالیات از میلیاردرها تأمین کند؛ ثالثاً، تکرار این دور باطل (افزایش مداوم قیمت کالاها) که هیچ توجیه اقتصادی ندارد و با یقین به این که افزایش قیمت بنزین باعث افزایش قیمت همه کالاها می‌شود، می‌توان آن را یک دسیسه و اقدام هماهنگ با دشمنان استقلال و تمامیت ایران، در مجموع، همدستی با ویرانگران خارجی و وابستگان داخلی آنها دانست. به اضافه این، کسب تکلیف شبانه از آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص گران کردن بنزین، این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که هدف آنها از این کار، هزینه کردن از اعتبار ولی‌فقیه به عنوان بالاترین مقام مسئول در قبال استقلال کشور بوده است. زیرا، نئولیبرال‌ها با صدمه زدن به اعتبار وی، در گام‌های بعدی براحتی می‌توانند ایران را اگر نه تجزیه، حداقل تسلیم منویات آقایان جهان نمایند.

قابل تأمل این که تجارب متعدد تاریخی نشان می‌دهد، که امپریالیسم هر گاه به فکر اجرای برنامه نابودی یا تسلیم هر کشوری افتاده، بیش از همه تهدیدها و اعمال فشارها، به هیولانمائی رهبر آن کشور دست زده است. گذشت زمان نیز بروشنی اثبات نمود، که هیولانمائی ستالین و رهبران سایر کشورهای سابقاً سوسیالیستی مانند چائوشسکو و دیگران و کمی متأخرتر، تبلیغات بی‌وقفه و نشر اکاذیب علیه "دیکتاتورهای" مانند سلابدان میلوویچ، صدام حسین، بشار اسد یا "دیوانگی" معمر قذافی و رهبران کشورهای مانند جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، بلاروس، ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه برزیل (لولا و روسوف) و بسیاری دیگر، از این دست زمینه‌سازی‌ها برای براندازی و تخریب بود و هست. با این مقدمه و با عطف توجه به همه جوانب رخدادهای بعد از ۲۴ آبان [عقرب]، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران موظف به اجرای خواست‌های زیر است:

۱- از اجرای برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، خواه در شکل تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی اموال عمومی، خواه به شیوه کاهش ارزش پول و افزایش دائمی قیمت‌ها دست برداشته، از دست بردن به جیب طبقات و لایه‌های فقیر جامعه خودداری نماید؛

۲- تصمیم غیراقتصادی سران قواء برای افزایش قیمت بنزین را که موجب افزایش شدید تورم و گرانی تمامی کالاها و اساسی گردید، به عنوان یک اقدام توطئه‌گرانه و برنامه از پیش طراحی شده شناخته، لغو نماید؛

۳- بر اساس اصل نهم قانون اساسی کشور، اعتراض بحق ستمدیدگان و محروم شدگان از زندگی ساده انسانی را به رسمیت بشناسد و برنامه خود را برای کاهش درد و رنج تحمیلی بر عموم و ناظر بر بهبودی سریع شرایط زندگی اجتماعی اعلام نماید؛

۴- پایبندی خود را به کلیه اصول قانون اساسی، از جمله، اصل بیست و هفتم ثابت نماید؛

۵- کشته شدگان حوادث اعتراضات اخیر، اعم از معترضان یا نیروهای انتظامی را به عنوان شهدای مبارزه در راه دفاع از امنیت و استقلال کشور و عدالت اجتماعی به رسمیت بشناسد. از ملت ایران، به ویژه، از خانواده‌های شهداء عذرخواهی نموده، به آنها غرامت بپردازد؛

۶- آمران تیراندازی به معترضان را صرف‌نظر از موقعیت و مقام دولتی آنها، برای مجازات به دست مراجع قضائی بسپارد؛

۷- حساب معترضان بازداشت شده را از آشوبگران و اخلاص‌گرا جدا نموده، شرایط آزادی بی‌قید و شرط کلیه آنها را فراهم نماید؛

۸- از نمایش اعترافات تلویزیونی به طور کلی دست برداشته، شخصیت و حیثیت بازداشت شدگان را محترم شمارد . قابل توجه این که، اصل سی و هشتم قانون اساسی هر گونه اقرار و اعتراف، شهادت و سوگند تحت اجبار را فاقد ارزش و اعتبار اعلام کرده است؛

۹- مطابق نص صریح اصل بیست و ششم قانون اساسی کشور، آزادی سازمانیابی کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار محروم جامعه را در سازمان‌های صنفی و سیاسی خود عملاً به رسمیت بشناسد تا آنها بتوانند در عین مبارزه متشکل و آگاهانه برای عدالت اجتماعی، علیه دشمنان خارجی کشور و وابستگان داخلی آنها به اقدامات قاطع دست بزنند. در غیر این صورت، توده بی‌سازمان (حتی میلیونی) همواره می‌تواند مجذوب شعارهای فریبنده و تبلیغات سوء رسانه‌های امپریالیستی - صهیونیستی گردیده و به آلت دست آنها و دستجات و گروه‌ها (به اصطلاح، احزاب و سازمان‌ها)، که اهداف و مقاصد خود را تحت پوشش شعارهای ریاکارانه و مخدوش کننده مرزهای طبقاتی مانند "دموکراسی‌خواهی" و "مبارزه با رژیم آخوندی" با دشمنان ایران پیوند زده‌اند، تبدیل شوند .

همه میهن‌دوستان ایران و همچنین، حاکمیت جمهوری اسلامی باید مطمئن باشند اگر چه ارتجاع امپریالیستی - صهیونیستی و جریانهای همسو با آنها در سوءاستفاده از غائله بنزین ناکام ماندند، اما تا زمانی که توده‌های ستمدیده برای مبارزه آگاهانه در سازمانهای صنفی و سیاسی خود متشکل نشوند؛ اوضاع اجتماعی - اقتصادی به سود محروم شدگان از زندگی ساده انسانی تغییر نیابد؛ در راه برقراری عدالت اجتماعی اقدامات جدی به عمل نیاید؛ در واقع، شرایط شعله کشیدن آتش زیر خاکستر آماده، و راه ورود دشمنان استقلال و تمامیت کشور هموار خواهد بود. از تجارب "انقلاب‌های رنگی" متعدد، از "بهار عربی" کذائی باید درس گرفت.

۲۲ آذر - قوس ۱۳۹۸